

## ضرورت وجود امام معصوم در جامعه چیست و اگر نباشد چه می‌شود؟

### نادیده گرفتن ضرورت وجود امام سرآغاز مصیبت‌های بشر

یکی از سؤالات مهمی که در رابطه با ضرورت وجود امام معصوم مطرح است و معمولاً زیاد پرسیده می‌شود این است، که حضور امام در جامعه چه لزومی دارد؟ چرا این قدر بر ضرورت وجود امام و نقش او در تربیت انسان‌ها تأکید می‌شود؟ مگر الان که امام در جامعه حضور ندارد، اتفاقی افتاده؟ افراد مثل همیشه می‌خورند، می‌پوشند، کار می‌کنند، تشکیل خانواده می‌دهند. حتی اعمال عبادی و مذهبی انجام می‌دهند. اگر امام هم بود، روند زندگی به همین شکل بود؛ پس بودن او چه چیزی را تغییر می‌دهد؟ نظر شما در این باره چیست؟ بشر به امام نیاز دارد یا ندارد؟

راستش را بخواهید ما هم با کسانی که این تئوری را مطرح می‌کنند، هم‌نظریم و قبول داریم که بشر با آن تعریفی که در بالا از او ارائه شد، یعنی موجود زنده‌ای که فقط می‌خورد، می‌پوشد، کار می‌کند و تشکیل خانواده می‌دهد، هیچ نیازی به امام ندارد؛ کما این که حیوانات هم به همین شکل زندگی می‌کنند و نیازی هم به امام ندارند. اما ما درباره حیات انسانی صحبت می‌کنیم نه حیات حیوانی. ساختار وجودی و فلسفه خلقت انسان، به آن شکلی که واقعاً هست، خواه ناخواه ضرورت وجود امام را ایجاب می‌کند. پس تا انسان با همه ابعاد وجودی و مبداء و مقصد حیاتش در نظر گرفته نشود و زوایای پنهان روحش مورد بررسی قرار نگیرد، فلسفه و ضرورت وجود امام به درستی درک نمی‌شود. بشر به امام نیاز دارد، چون دفترچه راهنمای انسان و جهان فقط و فقط در اختیار امام است!

## اطلاعاتی که فقط در اختیار امام است

درباره ساختار وجودی انسان در درس‌های قبلی به‌طور کامل صحبت کردیم و چرخه زندگی او را نیز توضیح دادیم. دانستیم که انسان موجودی ممتد از خدا تا خداست و با هدف رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و شباهت یافتن به خدا به زمین آمده است. میزان سعادت او در دنیا و آخرت نیز به میزان این شباهت گره خورده و هر چه قدر بیشتر به خدا تقرب پیدا کند، در دنیا و آخرت سعادت‌مندتر است. با شناختی که اکنون از انسان داریم، می‌دانیم که چنین موجودی نمی‌تواند بدون رهبر باشد و این رهبر هم نمی‌تواند هر کسی باشد. ما به رهبری نیاز داریم، که اولاً به ابعاد وجود ما و مبداء و مقصد حیات‌مان اشراف کامل داشته باشد و ثانیاً، خودش تجلی کامل اسماء و صفات خدا باشد؛ تا با تطبیق دادن سبک زندگی و رفتارمان با سبک زندگی و منش او خودمان را به خدا شبیه کنیم.

علاوه بر این‌ها کسی که می‌خواهد رهبری جامعه را به عهده بگیرد و افراد را در مسیر پرفراز و نشیب و خطیر حرکت به سوی آخرت همراهی کند، باید هم «متخصص» باشد و هم «معصوم»؛ منظور از تخصص، داشتن هفت دسته اطلاعات است، که بدون در اختیار داشتن آن‌ها هدایت و رهبری انسان‌ها ممکن نیست. این اطلاعات شامل موارد زیرند:

1- شناخت مبداء حیات انسان

2- شناخت مقصد نهایی و ساختار نظام آخرتی

3- شناخت ساختار نفس انسانی

4- شناخت ساختار بدن

5- آگاهی از رابطه نفس و بدن

6- شناخت عالم طبیعت (دنیا)

## 7- آگاهی از رابطه نفس با طبیعت

این تخصص‌های هفت‌گانه انحصاراً در اختیار خداوندند؛ چون اوست که جهان را آفریده و آن را ربوبیت و مدیریت می‌کند. سپس خداوند این اطلاعات را در اختیار نمایندگان رسمی خود یعنی پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام) قرار می‌دهد، تا با آگاهی از آن‌ها سکان هدایت جامعه را به دست بگیرند و بشر را به مقصدی که برایش آفریده شده، برسانند. ضرورت وجود امام معصوم این‌جاست که معلوم می‌شود. علم امام متصل به علم خداست و به‌همین دلیل نه تغییر می‌کند، نه زیر سؤال می‌رود. درحالی‌که علوم بشری جامعیت ندارند. هیچ دانشمندی در هیچ زمانه‌ای نتوانسته ادعا کند که به یکی از این علوم به طور کامل دست یافته است، حتی اگر سطح انتظارمان را پایین‌تر بیاوریم هم اوضاع علم بشری چندان فرقی نمی‌کند؛ هیچ یک از موجودات عالم نیستند که برای انسان کاملاً شناخته شده باشند. علم بشر از شناسایی کامل کوچک‌ترین موجودات عالم هم عاجز مانده است، به عبارت دیگر انسان برای کشف جهان نیازمند ابزار است و با پیشرفت ابزار علم بشر هم پیشرفت می‌کند؛ در نتیجه سطح آگاهی انسان از جهان دائماً در حال تغییر و به روزرسانی است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

## عواقب وخیم حذف متخصص معصوم از رهبری جامعه

باتوجه به نکاتی که گفتیم، اکنون می‌توانیم عواقب وخیم حذف متخصص معصوم از رهبری جامعه را به‌خوبی تشخیص دهیم. اگر متخصص معصوم در رأس جامعه نباشد، طبیعتاً هدایت مردم به دست غیرمتخصصان غیرمعصوم می‌افتد، که هیچ‌شناختی از نظام هستی، فلسفه خلقت، ساختار نفس انسان و مبداء و مقصد حیات او ندارند. در نتیجه احکامی وضع می‌کنند، که هیچ تناسبی با حقیقت انسان و آینده او ندارد.

این اتفاق درست مانند این است که هدایت تیم ملی فوتبال را به سرمربی تیم واترپولو بسپاریم! یا از استاد ادبیات بخواهیم، که به دانشجویان هوافضا تئوری‌های آرودینامیک درس بدهد! حتی این مثال‌ها هم گویای عمق فاجعه‌ای که اتفاق می‌افتد، نیستند. چون در صورت هدایت تیم ملی فوتبال توسط سرمربی واترپولو، بدترین اتفاق ممکن حذف تیم ملی از مسابقات

جهانی است؛ اما در صورت حاکمیت غیرمتخصصان غیرمعصوم بر جوامع بشری تمام ابعاد زندگی ماتحت تأثیر قرار می‌گیرد و زندگی‌مان هم در دنیا و هم آخرت به حیاتی سرد، پوچ، شکننده و بی‌معنا تبدیل خواهد شد، درست همان شرایطی که امروزه ملت‌ها به آن مبتلا هستند!

با حذف متخصص معصوم از رهبری جامعه، ملاک‌های ارزش‌گذاری تغییر می‌کند و قیمت افراد با پایین و بالا شدن مدرک تحصیلی، محل زندگی و مدل اتومبیل‌شان، بالا و پایین می‌شود. عمر افراد به بیهودگی و بی‌هدفی می‌گذرد و همه وقت و انرژی‌شان در راه کسب کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی تلف می‌شود. حتی قرآن هم بدون متخصص معصوم قابل استفاده نیست. چون قرآن حاوی فرمول‌های کلی است و احتیاج به شرح و توضیح دارد.

در این درس دربارهٔ ضرورت وجود امام در رأس جامعه صحبت کردیم و از لزوم متخصص بودن او به‌عنوان یکی از شروط اساسی رهبری سخن گفتیم. شرط دیگر «عصمت امام» است که در درس‌های بعدی به طور کامل به آن می‌پردازیم.